



با اسکن تصویر، می‌توانید این مقاله را در تازنمای مجله مشاهده نمایید.

## نقد و بررسی رویکردهای زن‌محور در پژوهش‌های ادبیات عامه ایران

تاریخ دریافت: ۱۲ بهمن ۱۴۰۰ / پذیرش: ۱۹ دی ۱۴۰۱

فرشته آلیانی<sup>۱</sup>

محرم رضایتی کیشه خاله<sup>۲</sup>، رضا چراغی<sup>۳</sup>

### چکیده

ادبیات عامه از یک قرن پیش با جمع‌آوری متون آغاز شد و در دهه‌های بعد با استفاده از رویکردهای مختلف مورد تحلیل قرار گرفت. پژوهش‌های مرتبط با زنان از حوزه‌های مهم در ادبیات عامه است که به خاطر بازتاب صداهای خاموش جامعه، ظرفیت زیادی برای مطالعه دارد. همزمان با دانشگاهی شدن ادبیات عامه، عوامل مختلفی باعث شد که به مسأله زنان بخصوص در این حوزه توجه ویژه‌ای شود. در این مقاله با رویکرد تحلیلی - انتقادی، ابتدا با مطالعه و طبقه‌بندی آثار مرتبط با زنان در ادبیات عامه که از سال ۱۳۰۰ تا ۱۴۰۰ نوشته شده‌اند، سیر صعودی این تحقیقات و موضوعات آن‌ها را نشان دادیم، سپس تأثیر رویکردهای دوگانه سنت و مدرنیته را در ایجاد نگرش‌های مختلف به زنان در متون ادبیات عامه و آکادمی بررسی کردیم و در نهایت نظریه‌های تحلیلی چند پایان‌نامه مرتبط با زنان در حوزه ادبیات عامه را با نگاه انتقادی بررسی نمودیم. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد: در پژوهش‌های ادبیات عامه به خاطر تقابل سنت و مدرنیته دو نگاه وجود دارد: به‌زعم برخی، آنچه در فرهنگ عامه مشاهده می‌شود، بازتولید سنت است؛ اما عده‌ای اعتقاد دارند که در راستای حقوق زنان‌اند. در رویکرد منفی به سنت، فرهنگ عامه چه در آثار شفاهی و چه در متون کتبی، به خاطر نمایندگی از سنت، مخالف حقوق زنان است و در پژوهش‌ها نیز هدف برجسته کردن زمینه‌های فرهنگ مردسالار است تا موجب تثبیت و طبیعی‌سازی کلیشه‌های جنسیتی و تضعیف زنان و سرکوب آن‌ها باشند. در رویکرد مثبت به سنت نیز به‌صورت خودآگاه یا ناخودآگاه شواهدی در اثبات گرایش‌های زن‌محور ارائه می‌شود و آثاری وجود دارند که سلطه مردان و کلیشه‌های جنسیتی آنان را نشان می‌دهد؛ اما در این تحقیقات زن در نقش مادر، موجودی مهم و تأثیرگذار است. در کل در پژوهش‌های مرتبط به زنان در ادبیات عامه نیز به دلیل پراکندگی مطالب، رویکردهای افراطی و جانبدارانه نویسندگان، استفاده غیرفعال از منابع، بیان کلیشه‌ای، نداشتن ارتباط افقی و عمودی مطالب، عدم ارتباط نظریه با تحلیل و نتیجه‌گیری‌های تکراری، غالباً به اطلاعات جدید و ارزشمندی بدل نشده است.

**کلیدواژه‌ها:** ادبیات عامه، نقد، پژوهش‌های زن‌محور، فمینیسم.

۱. دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان، گیلان، ایران. E-mail: [Fereshteh.aliyani@gmail.com](mailto:Fereshteh.aliyani@gmail.com)

۲. استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان. گیلان، ایران. (نویسنده مسئول) E-mail: [Kishekhaleh@yahoo.com](mailto:Kishekhaleh@yahoo.com)

۳. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان. گیلان، ایران. E-mail: [R.rezacheraghi1400@gmail.com](mailto:R.rezacheraghi1400@gmail.com)

## ۱- مقدمه

از دهه هشتاد با ورود نظریه‌های مختلف، تحولی در بررسی‌های ادبیات عامه به وجود آمد؛ به طوری که آثار و موضوعات مختلف آن مثل ترانه، ضرب‌المثل، آداب‌ورسوم و غیره با رویکردهای مختلف مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، فمینیسم و غیره پیوند خورد و تحلیل شد.

از مهم‌ترین مطالعاتی که در ادبیات عامه انجام گرفته، پژوهش‌های جنسیتی، بخصوص تحقیق در حوزه زنان است. برخلاف ادبیات رسمی در ادبیات عامه مثل لالایی‌ها و بسیاری از ترانه‌های کار، قصه‌ها و افسانه‌های عامه، آداب‌ورسوم و باورها و...، زنان نقش محوری دارند، از همین روی، تحقیقات متنوعی با رویکردهای مختلف درباره آن‌ها انجام شده است.

تحقیق درباره زنان نیز ابتدا از غرب نشأت گرفت. غربیان تلاش کردند تا مسائل زنان را با تکیه بر نقدهای اجتماعی و نحله‌های مختلف نظری مورد تحلیل قرار دهند. البته اندیشه برابری زن و مرد در اروپا از دوره روشنگری خود را بیشتر نشان داد. به عقیده صاحب‌نظران اروپایی زنان باید آموزش ببینند و توانایی ذهنی‌شان افزایش یابد. برای مثال ولتر بی‌عدالتی را عامل فروستگی زنان می‌دانست یا کندرسه معتقد بود باید به زنان حقوق اجتماعی و سیاسی برابر داده شود. تام پین اندیشمند آمریکایی هدف انسان‌ها در جامعه را حفظ حقوق طبیعی، مدنی و سیاسی می‌دانست و خواهان بسط این حق برای زنان بود. بعدها زنان غرب به تدریج تحت تأثیر این افکار قرار گرفتند و بر حقوق برابر خود با مردان تأکید کردند (نک. مشیرزاده، ۱۳۸۲: ۱۵-۱۳). در جامعه ایرانی نیز زنان تا پیش از مشروطیت در وضعیت سنتی به سر می‌بردند و در جامعه جایگاه مناسبی برای آن‌ها وجود نداشت. در این زمان گروه اندکی از زنان تحصیل کرده که بیشتر وابسته به طبقات بالای جامعه بودند، در کسب حقوق خود کوشیدند و نهایتاً تحولات جدیدی در جنبش‌های زنان به وجود آمد و زمینه‌های حضور آن‌ها در جامعه ایجاد شد. تشکل‌های سیاسی زنان؛ اتحادیه غیبی نسوان، انتشار مقاله در روزنامه وطن، از جمله فعالیت‌های مختلف زنان در این دوران بود (نک. درکتانین، ۱۳۸۳: ۳۴۸).

پژوهش‌های زن‌محور در فرهنگ و ادبیات عامه بازتاب‌دهنده دنیای زنان در قالب رویکردها و نقدهای جدید است. زنان در فرهنگ و ادبیات عامه ایران حضوری فعال و تأثیرگذار دارند و نقش آن‌ها در این حوزه بسیار پررنگ‌تر و اساسی‌تر از ادبیات رسمی است. از یک طرف زنان بخشی از روایان ادبیات عامه‌اند، از طرفی، ادبیات عامه بازتاب‌دهنده صداهای خاموش جامعه یعنی زنان و کودکان است. به همین خاطر مطالعات زن‌محور در پژوهش‌های

ادبیات عامه بسیار مهم و جدی است.

در سال‌های اخیر همزمان با مطالعات ادبیات عامه و دانشگاهی شدن این رشته، با تدوین مقاله‌ها، پایان‌نامه‌ها، رساله‌ها، طرح‌های پژوهشی، سطح آگاهی زنان نسبت به حقوق خود افزایش یافت و ثمره آن فراهم شدن زمینه‌های مطالعه و بررسی نقش زنان در فرهنگ و ادبیات عامه ایران با تکیه بر نظریه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی از ابعاد مختلف بوده است. نقش‌های مختلف زن در قصه‌ها، مثل‌ها، ترانه‌ها، لالایی‌ها و ... بارها در پژوهش‌های ادبیات عامه به صورت توصیفی و گاه مبتنی بر نظریه‌های فمینیستی، نمادشناسی، زبان‌شناسی و ... بررسی شد. با این همه، تاکنون هیچ کتاب‌شناسی مشخصی درباره رویکردهای زن محور در پژوهش‌های ادبیات عامه فراهم نگردید و هیچ اثر پژوهشی به طور مشخص با رویکرد انتقادی و تحلیلی به مطالعه این آثار نپرداخته است.

## ۲- روش پژوهش

منظور از پژوهش‌های زن محور در ادبیات عامه، آثاری است که به بررسی موضوع زنان در ژانرها و گونه‌های مختلف آن پرداخته‌اند. این جستار، ابتدا کتاب‌شناسی ملموسی از پژوهش‌های زن محور از ۱۳۰۰ تا ۱۴۰۰ در ادبیات عامه ارائه داده، سپس با تحلیل این آثار و واکاوی انتقادی آن‌ها، زمینه‌ها، دلایل، جهت و ابعاد بخشی از پژوهش‌های مربوط به زنان در ادبیات عامه ایران را بررسی نموده و بر اساس رویکرد دوگانه سنت و مدرنیته آن‌ها را سنجیده است. از این منظر، می‌توان چشم‌انداز روشنی از سیر تاریخی پژوهش‌های زن محور و نقش رویکردهای مختلف نظری در پیشبرد آن‌ها و دلایل نگرش‌های مثبت و منفی نسبت به حضور زنان در فرهنگ و ادبیات عامه را دریافت. نتایج حاصل از این پژوهش خلأها و کمبودهای پژوهش در این موضوع را به خوبی نشان می‌دهد. افق کلی برای تحقیقات بعدی در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد و از ارائه تحقیقات تکراری و پژوهش‌هایی که با هم همپوشانی دارند، جلوگیری می‌کند.

در پژوهش حاضر بیش از ۱۰۰ اثر در حوزه‌های مختلف زنان در ادبیات عامه شناسایی شده که به ترتیب هر دهه، به شرح موضوعات آن خواهیم پرداخت. به علت کثرت مواد پژوهشی، آثاری که چارچوب و ساختار علمی دقیق‌تری داشتند، گزینش شدند و نهایتاً «۱۰» مقاله علمی، «۱۵» پایان‌نامه و رساله زن محور برای تحلیل انتخاب گردیدند. اطلاعات حاضر از طریق پایگاه‌های علمی: سایت رسمی ایران داک، سایت مجلات تخصصی نور، سایت پایگاه پرتال جامع علوم انسانی، مگ ایران، اس آی دی با کلیدواژه‌های زن و ادبیات عامه، زن و فرهنگ عامه، زن و افسانه‌ها و قصه‌های عامه، زن و باور، زن و مثل، زن و لالایی و ... شناسایی شده‌اند. برای بررسی جامع‌تر و دقیق‌تر نتیجه

مقاله، تمام آثاری که به‌عنوان مقاله و پایان‌نامه از آن‌ها یاد شده است، به‌دقت مورد مطالعه قرار گرفته و از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار گرفته است.

### ۳- پیشینه پژوهش

تاکنون هیچ پژوهش مستقلی درباره نقد و بررسی پژوهش‌های زن‌محور در ادبیات عامه ایران انجام نشده است. کتاب‌شناسی مشخص و مجزایی نیز در این زمینه وجود ندارد. باین‌حال، در برخی پژوهش‌ها که در حوزه علوم انسانی و ادبیات فارسی نوشته شده‌اند اشارات مختصری به تحقیقات زن‌محور ادبیات عامه پیدا می‌کنیم. از جمله: کتاب «مجموعه تحقیقات علوم انسانی در حوزه مسائل زنان» (رام پناهی و دیگران، ۱۳۸۳)؛ «منبع‌شناسی زنان» (عراقی و دیگران، ۱۳۸۸) که بخش محدودی از تحقیقات ادبیات عامه را در خود جای داده‌اند، به‌صورت کتاب‌شناسی فراهم آمده و فاقد تحلیل‌اند. کتاب «ریشه‌های زن‌ستیزی در ادبیات کلاسیک فارسی» (حسینی، ۱۳۸۸) نویسنده تلاش کرده که موضوع زن را در ادبیات ایران بررسی کند. محدوده مطالعه در این کتاب، ادبیات کلاسیک است و دوره معاصر را شامل نمی‌شود. پایان‌نامه «رویکرد انتقادی به کاربرد نقد زن‌محور در پژوهش‌های ادبی» (میرزاییان، ۱۳۹۲) که شمار زیادی از تحقیقات ادبیات عامه را جمع‌آوری کرده، تحلیل خاصی به همراه ندارد؛ تکیه اصلی مقاله «نگاهی به کاربرد نقد زن‌محور در پژوهش‌های ادبی» از (باقری، میرزاییان، ۱۳۹۴) بر پژوهش‌ها و متون کلاسیک و معاصر ادبیات فارسی بوده و متون ادبیات عامه در حاشیه قرار گرفته‌اند؛ اما مقاله «نقد و بررسی پژوهش‌های ادبی زن‌محور» (مقدمی، غلامحسین‌زاده، دری و ذوالفقاری، ۱۳۹۷) که از پژوهش‌های دیگر تحلیلی‌تر و روشمندتر است؛ بیشتر به بررسی آثار داستانی پرداخته است و پژوهش‌های ادبیات عامه در این تحقیق جایگاهی ندارد. با توجه مطالب فوق، می‌شود نتیجه گرفت که هنوز جای اثری که پژوهش‌های زن‌محور در ادبیات عامه را مورد بررسی قرار دهد، همچنان خالی است.

### ۴- تاریخچه مطالعات زن‌محور در ادبیات عامه ایران

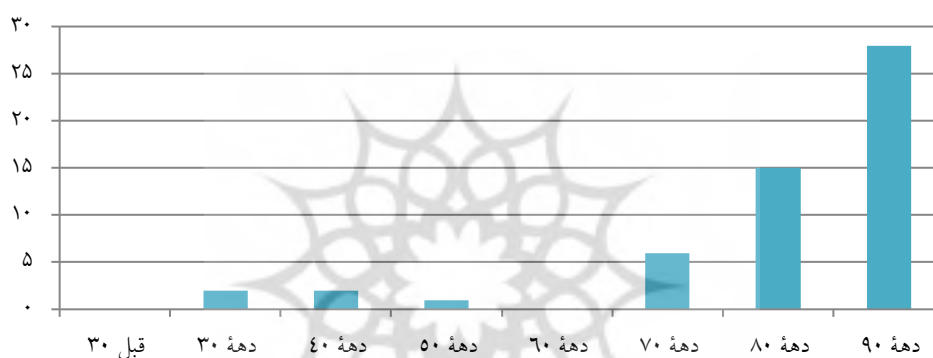
برای آگاهی دقیق‌تر از پژوهش‌های زن‌محور در حوزه فرهنگ عامه، پژوهش‌های مربوط به این حوزه را از آغاز قرن تا سال ۱۴۰۰ در سه بخش کتاب، مقاله و پایان‌نامه به‌صورت خلاصه و بر اساس دهه‌های متوالی بررسی می‌کنیم. هرچند پژوهش در حوزه زن و فرهنگ عامه به پیش از قرن حاضر و حتی به دوره صفویه برمی‌گردد، اما آثار چاپ شده قرن اخیر از دهه سی آغاز شده است. در دهه سی درباره باورهای زنان دو اثر، در دهه چهل در حوزه آیین و امثال زنان،

دو کتاب و در دهه پنجاه نیز یک کتاب در حوزه امثال‌شناسایی شده است. در دهه هفتاد علاوه بر کتاب، در قالب مقاله و پایان‌نامه نیز پژوهش‌هایی در فرهنگ‌عامه وجود دارد؛ به طوری که در این دهه شش کتاب، شش مقاله و سه پایان‌نامه درباره زنان نوشته شده‌اند که در حوزه ضرب‌المثل، ترانه‌های عامه، افسانه، ترانه‌های کار، لالایی‌ها، باور، داستان و زبان‌شناسی قرار دارند. در دهه هشتاد پانزده پژوهش در قالب کتاب‌شناسایی شده‌اند که در موضوعاتی چون ضرب‌المثل، ترانه‌های کار، مکر، باور، لالایی‌ها، ازدواج و همسرگزینی و زبان‌شناسی مرتبط با زن تألیف شده‌اند که جز دو مورد، بقیه در حوزه زن و ادبیات و فرهنگ‌عامه جای می‌گیرند. بعلاوه سی‌وسه مقاله در دهه هشتاد شناسایی شده که به ترتیب در حوزه لالایی، مردم‌شناسی، قصه، ضرب‌المثل، اصطلاحات و تعارفات زنانه و فرهنگ‌عامه قرار دارند. بیست‌وپنج پایان‌نامه نیز در دهه هشتاد مرتبط با زنان ثبت شده است که در حوزه‌های قصه، ترانه، تعارفات، ادبیات شفاهی، فرهنگ‌عامه، ضرب‌المثل و مردم‌شناسی قرار می‌گیرند.

در دهه نود آثار تحلیلی و تحقیقی درباره زنان افزایش می‌یابد؛ یعنی تا پایان دهه نود بیست‌وهشت کتاب درباره زنان تألیف شده که در حوزه‌های ضرب‌المثل، باور، ترانه، قصه، لالایی، فرهنگ‌عامه، قهرمانی، حکمرانی، افسانه، حقوقی، موسیقی، اسطوره و مسائل جنسیتی و زناشویی زنان جای دارند. در همین دهه هشتاد مقاله مرتبط با زن منتشر شده که بیشتر مستخرج از پایان‌نامه‌های تحصیلی است. هرچه به پایان دهه ۹۰ نزدیک‌تر می‌شویم آثار تحلیلی و استفاده از رویکردهای نظری بیشتر می‌شود. پانزده مقاله در مورد ضرب‌المثل نوشته شده که از منظر خانواده، جنسیت، مطالعات تفسیری، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و تحلیل گفتمان بررسی شده‌اند. شش مقاله در زمینه لالایی (یکی با نگاه جامعه‌شناسی و دیگری ریخت‌شناسی)، چهار مقاله در زمینه افسانه (یکی نشانه‌شناسی و دیگری کهن‌الگویی)، چهار مقاله در ترانه، هشت مقاله در پوشاک، یازده مقاله در قصه، دو مقاله در خوشکاری و تحلیل جامعه‌شناسی، پنج مقاله در هزارویک‌شب، دو مقاله در سندبادنامه از دیدگاه انتقادی و فمینیستی، سه مقاله در سبک‌گفتاری، سه مقاله مرتبط با خانواده و ازدواج، دو مقاله در متن‌شناسی، دو مقاله در آیین، سه مقاله در بررسی کلی زن و یک مقاله در حوزه حماسه قرار می‌گیرد. علاوه بر این، ۳۵ پایان‌نامه نیز مرتبط با زنان در دهه نود نوشته شده که هفت مورد در ضرب‌المثل، پنج مورد در قصه‌های شفاهی، سه مورد در افسانه، سه مورد در لالایی، دو مورد در حماسه و دو مورد حماسه‌منثور که یکی سمک‌عیار و دیگری ابومسلم‌نامه را بررسی می‌کند. دو مورد در ترانه، دو مورد در اسطوره، دو مورد در هزارویک‌شب، دو مورد در نگاه سیاحان، یک مورد در چاپ‌سنگی، یک مورد در موسیقی و بقیه در فرهنگ‌عامه، ادبیات شفاهی و فولکلور روستایی، یعنی به صورت کلی بررسی شده است.

خلاصه اینکه پژوهش‌های زن‌محور در حوزه‌های مختلف از دهه سی آغاز می‌شود و در دهه چهل و پنجاه ادامه می‌یابد. در دهه هفتاد به این مسأله توجه بیشتری در حوزه کتاب می‌شود، در دهه هشتاد رونق می‌گیرد و در دهه نود به اوج خود می‌رسد. به جز پژوهش‌های زن‌محور که در قالب کتاب در فرهنگ‌عامه نوشته شده‌اند، از دهه هفتاد به بعد در قالب طرح‌ها و پایان‌نامه‌های تحصیلی نیز پژوهش‌های زن‌محور وارد تحقیقات دانشگاهی شدند، در دهه هشتاد رونق گرفتند و در دهه نود به اوج خود رسیدند.

### کتاب‌های نوشته‌شده زن‌محور در حوزه‌های مختلف فرهنگ عامه در دهه‌های مختلف

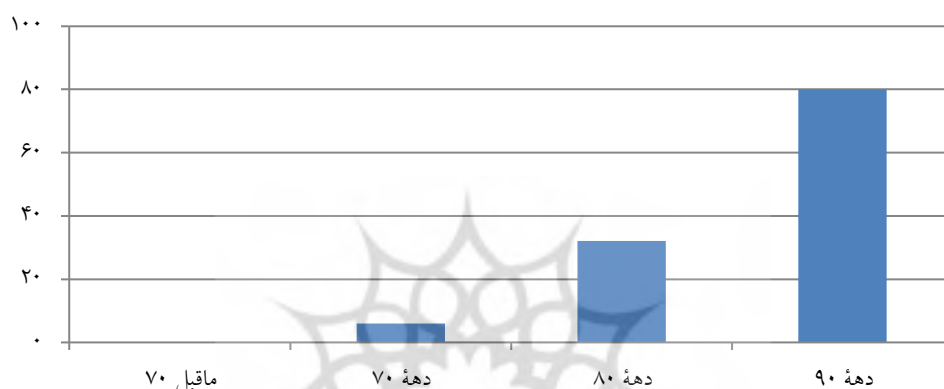


### پایان‌نامه‌های نوشته‌شده زن‌محور در حوزه‌های ادبیات عامه در دهه‌های مختلف



به دنبال پایان‌نامه‌ها و متمرکز شدن این نوع پژوهش‌ها به تحقیقات دانشگاهی، ایجاد رشته تحصیلی ادبیات عامه و تأسیس مجله تخصصی فرهنگ و ادبیات عامه، موضوعات فرهنگ و ادبیات عامه به صورت تخصصی بررسی شد. مقاله‌های زن‌محور نیز از دهه هفتاد شروع شد در دهه هشتاد پنج برابر شد و در دهه نود به اوج خود رسید.

### مقاله‌های نوشته‌شده زن‌محور در حوزه‌های مختلف ادبیات عامه در دهه‌های مختلف



#### ۴-۱- زمینه‌ها و دلایل عمومی

از دهه چهل به بعد، به‌ویژه در دهه‌های اخیر عوامل مختلفی باعث ایجاد چشم‌اندازها و رویکردهای جدید در تحلیل و بررسی ادبیات عامه شد، این عوامل سبب پیدا شدن رویکردهای جدید تحلیلی در ادبیات عامه و از جمله رویکرد زن‌محور و فمینیستی شد که در این مقاله این عوامل و زمینه‌ها را در چند بخش بررسی می‌کنیم.

#### الف) نهادهای پژوهشی و دانشگاهی و نشریات

با پیدایش نهادها و محفل‌های پژوهشی (دولتی و غیردولتی)، گسترش نشریات، ایجاد رشته‌های دانشگاهی و ... مطالعات ادبیات عامه وارد مرحله جدیدی شد. این مرحله از جمع‌آوری‌ها و بررسی‌های پراکنده عبور کرد و با برنامه‌های منسجم‌تری به بررسی، تحلیل و نقد ادبیات پرداخت. برای مثال: پیدایش نهادهایی همچون موزه‌های مردم‌شناسی، اداره فرهنگ عامه، موسسه مطالعات و تحقیقات علوم اجتماعی دانشگاه تهران، مرکز فرهنگ مردم رادیو، مرکز مردم‌شناسی ایران، تشکیل سازمان ملی فولکلور ایران، مرکز ملی پژوهش‌های مردم‌شناسی و فرهنگ عامه، تأسیس فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی و توجه به قومیت‌ها و گویش‌های مختلف در کنار انتشار آثار گوناگون از

پژوهشگران فرهنگ‌عامه مثل: نارنج و ترنج، نمکی، دیو و پیرمرد ترسو و ... که همگی از بایگانی اسناد موزه مردم‌شناسی جمع‌آوری شده بود یا چاپ کتاب‌هایی همچون قاپ‌بازی در ایران، نقش و نگارهای عامیانه ایران، تک‌نگاری آلاشت و ... اعزام دانشجویان و پژوهشگرانی همچون بلوک‌باشی، پورکریم و ... به خارج از ایران برای تحصیل و تحقیق در دهه ۴۰ و ۵۰ و ... و همچنین توسعه کرسی‌های دانشگاهی علوم اجتماعی به همراه ایجاد و توسعه رشته‌های جدید دانشگاهی و مطالعات بین‌رشته‌ای مثل انسان‌شناسی، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، مطالعات فرهنگی، مطالعات زنان و ادبیات عامه به‌طور اختصاصی؛ آغاز به کار دانشکده هنرهای دراماتیک وابسته به وزارت فرهنگ و هنر و تدریس ادب عوام، در واحدهای درسی این دانشگاه، ادبیات عامه برای اولین بار وارد فضای دانشگاهی شد و بعدها بنایی شد تا در دهه ۹۰ در دانشگاه تربیت مدرس به‌عنوان یک رشته علمی تخصصی در مقطع کارشناسی ارشد مورد توجه واقع شد و پژوهش‌های نظری روشمندی درباره آن نوشته و چاپ گردید. (نک. محبوب، ۱۳۸۲: صص ۷۵-۳۵؛ دالوند، ۱۳۹۸: ۱۲). در کنار پیشرفت ادبیات عامه در این دوران، مطالعات مربوط به زنان نیز از تحقیقاتی بود که همسو با ادبیات عامه رشد کرد و در نقطه‌ای با این رشته پیوند خورد؛ یعنی از همان آغازی که ادبیات عامه وارد فضای علمی شد، همسو و همراه با آن به تدریج پس از انقلاب مشروطه به دلیل مدرن‌سازی و ایجاد تحول در همه الگوهای جامعه بر اساس الگوهای مدرن غربی توجه به زنان بیشتر شد. پس از دوره مشروطه تا انقلاب اسلامی با اینکه به حقوق زنان به‌طور کامل توجه نمی‌شد و طبق آخرین آمار سال ۱۳۳۵ فقط هشت درصد از زنان جامعه تا آن زمان باسواد بودند (نک. طغرانگار، ۱۳۸۳: ۱۲۴)، اما حداقل در زندگی زنان سطح متوسط و بالای جامعه تحول بزرگی پدید آمد و آن‌ها مشاغلی همچون پرستاری، آموزگاری، کار در کارخانه‌ها را تجربه کردند (نک. آوری، ۱۳۸۸: ۳۷/۷). در همین راستا زنان پس از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی مجلات و نشریات مختلفی راه‌اندازی کردند: ۱) دانش (۱۲۸۹؛ ۲) شکوفه (۱۱۹۱؛ ۳) زبان زنان (۱۲۹۷؛ ۴) نامه بانوان (۱۲۹۹؛ ۵) عالم نسوان (۱۲۹۹؛ ۶) جهان زنان (۱۲۹۹؛ ۷) جمعیت نسوان وطن‌خواه (۱۳۰۲). این نشریات رویکرد تغییرگفتمان سنتی به مدرن را ایجاد کرد. باعث شد که زنان نسبت به حقوق خود آگاه شوند و زمینه‌ای را ایجاد کرد که بعدها در حوزه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، ادبی و ادبیات و فرهنگ عامه جایگاه و نقش زنان از منظرهای مختلفی بررسی و پژوهش شود.

#### ب) ورود نظریه‌های جدید

با گسترش، وسعت و عمق پیدا کردن جریان ترجمه از یک‌سو و ماهیت محافل و نهادهای آکادمیک از سوی دیگر،



مطالعات نظری و تئوریک بیشتر شد و این دو علت مهم باعث شدند تا بسیاری از رویکردهای جدید نظری و تحلیلی در حوزه ادبیات عامه ترجمه و به تدریج در پژوهش‌های این حوزه به کار گرفته شوند. از جمله این رویکردهای نظری می‌توان به رویکرد جامعه‌شناسی با زیر شاخه‌های مختلف آن، رویکردها و نظریه‌های انسان‌شناسی، روان‌شناسی، مردم‌شناسی، مطالعات فرهنگی، زبان‌شناسی، تحلیل گفتمان، فمینیسم و ... در تحقیقات فرهنگ عامه می‌توان به این نظریه‌ها اشاره کرد: برای مثال: در بخش مردم‌شناسی ۵۵ کتاب، ۳۱ مقاله و ۲۵ پایان‌نامه، در بخش جامعه‌شناسی ۸ کتاب، ۱۳ مقاله و ۹ پایان‌نامه، در بخش روایت‌شناسی ۲ کتاب، ۴ مقاله و ۳ پایان‌نامه، در بخش سبک‌شناسی و زبان‌شناسی ۳ کتاب، ۳ مقاله و ۱ پایان‌نامه، در بخش ریخت‌شناسی ۳ کتاب، ۱۵ مقاله و ۹ پایان‌نامه، در بخش نشانه‌شناسی ۱ کتاب و ۳ پایان‌نامه، در بخش زیبایی‌شناسی ۴ کتاب، ۸ مقاله و ۵ پایان‌نامه و در بخش روان‌شناسی ۸ کتاب، ۱۳ مقاله و ۱۰ پایان‌نامه، در بخش پژوهش‌های حقوقی و سیاسی ۵ کتاب، ۵ مقاله و ۲ پایان‌نامه، در بخش تحلیل گفتمان سه پایان‌نامه و ده مقاله، در بخش نقد اسطوره‌ای ۹ مقاله و ۹ پایان‌نامه و در بخش پژوهش‌های ساختارشناسی ۹ مقاله و ۱۷ پایان‌نامه تحصیلی شناسایی شده است.<sup>۱</sup>

موارد مطرح شده بخشی از نظریه‌های مهم بررسی شده در پژوهش‌های فرهنگ عامه است. چنانکه دیده می‌شود بیشتر نظریه‌های جدیدی که وارد ادبیات عامه شده‌اند از دههٔ چهل و پنجاه آغاز و در دههٔ هشتاد و نود رونق گرفته است و ادامه دارد. دلیل اصلی رونق این مدل پژوهش‌ها در دههٔ اخیر می‌تواند دانشگاهی شدن ادبیات عامه و تأسیس مجلهٔ تخصصی دربارهٔ آن باشد. یکی از رویکردهای جدید در پژوهش‌های فرهنگ عامه بررسی‌های جنسیتی است؛ یعنی تحلیل انواع مختلف فرهنگ عامه با نظریه‌های فمینیستی یا مسائل زن‌محور در چشم‌اندازهای مختلف تئوریک از جمله مردم‌شناسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و ... که بر مسألهٔ زنان تأکید دارند. برای مثال: تحلیل جامعه‌شناختی از ضرب‌المثل‌های زنانه در شهرستان لامرد استان فارس (۱۳۹۱)؛ بازنمایی زن در ادبیات شفاهی قشقایی از منظر تحلیل گفتمان (۱۳۹۳)؛ نمادشناسی حرکات نمایشی [زنان] در فولکلور شرق گیلان (۱۳۹۴) و ... که با نظریه‌های مختلف سعی در تحلیل مسائل زنان دارند و نظریه‌های ذکر شده و بسیاری از نظریات دیگر از جهات مختلف به تحلیل مسائل زنان پرداخته‌اند. در بعضی از این آثار نیز به‌طور مستقیم از نظریه‌های فمینیستی برای تحلیل استفاده کرده‌اند. برای مثال: بررسی نقش و جایگاه زنان در افسانه‌های عامهٔ کرمان بر اساس رویکرد فمینیستی (۱۳۹۹) نمونه‌ای از چندین مورد است که با دیدگاه فمینیستی مسألهٔ زنان را بررسی کرده‌اند. در کل این نظریه‌ها که از

۱. طبق مطالعاتی که نگارندگان در جمع‌آوری منابع و تاریخچه مطالعات ادبیات عامه داشته‌اند که در آینده منتشر خواهد شد.

غرب می‌آمد نشان‌دهنده درگیری غربی‌ها با مسائل زنان بود که در نظریه‌ها نیز سرریز شد؛ بنابراین ورود این نظریه‌ها از دو جهت مطالعات مربوط به زنان را در ادبیات عامه ایران گسترش داد:

۱) ایجاد نوعی خودآگاهی انتقادی درباره وضعیت زنان در پژوهشگران؛ یعنی خود نظریه باعث شد پژوهشگران ابعاد تازه‌ای از مسائل زنان را در فرهنگ عامه ببینند. مثلاً به نابرابری جنسیتی توجه کنند: بررسی فرهنگ لالایی‌ها، شعرهای محلی و ضرب‌المثل‌ها در گویش قوم لر با تأکید بر نشانه‌های تفکیک جنسیت (مورد مطالعه دو محله از شهرستان بروجرد، استان لرستان) (۱۳۹۴) با این نگاه تألیف شده است.

۲) از جهت دیگر با گسترش رشته‌های دانشگاهی و نیاز به تحقیق‌های جدید دانشجویان و پژوهشگران بر اساس نظریه‌های نو به مسائل زنان در مطالعات عامه پرداختند و چنانکه در ادامه خواهیم گفت چون روند اداری و بروکراتیک بود به پژوهش‌های ضعیف، خنثی و فاقد مسأله در این حوزه منجر شد.

### ج) تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

ورود بسیاری از نظریه‌ها در حوزه‌های مختلف پژوهشی در علوم انسانی ایران و از جمله در ادبیات عامه علاوه بر دو عامل پیش‌متأثر از شرایط و تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بود. مثلاً تحولات سیاسی و رواج ایدئولوژی گروه‌های سیاسی چپ و مارکسیستی در ایران در قبل از انقلاب در رواج نظریه‌های جامعه‌شناختی و به‌ویژه مارکسیستی در حوزه علوم انسانی بسیار مؤثر بود یا مواجهه انتقادی با غرب و موضع انتقادی در مقابل رویکرد شرق‌شناسانه و استعماری غربی‌ها و گسترش گفتمان بازگشت به خویش در دهه چهل و دهه‌های پس از آن و حتی بعد از انقلاب به توسعه و رواج نظریه‌های شرق‌شناسانه و پسااستعماری در علوم انسانی از جمله فرهنگ عامه انجامید (بسیاری از نظریه‌های شرق‌شناسانه تحت تأثیر فضای مقابله با غرب بود) و همچنین نگاه اعتراضی به رویکرد مونولوگ‌محور یا ایدئولوژی‌های غالب تک‌صدا در فضای ایران در دهه‌های شصت و هفتاد خورشیدی به رواج رویکردهای تکثرگرا، شکاک یا شالوده‌شکن نظیر پسااستعماری، چندصدایی باختین، رویکردهای پلورالیستی در نقد ادبی ایران منجر شد. همه یا اغلب این نظریه‌ها کمابیش در بررسی مطالعات فرهنگ عامه نیز وارد شد. برای مثال: «حلقه باختین: فرهنگ مردمی و ادبیات چندصدایی» (۱۳۸۷)؛ «رمان ماجراهای حاجی‌بابای اصفهانی و شرق‌شناسی پسااستعماری» (۱۳۸۹)؛ «تحلیل گفتمان جایگاه زن در ضرب‌المثل‌های ترکی» (۱۳۹۷)؛ «تحلیل انتقادی گفتمان واژگان ترانه‌های نوازشی بر پایه انگاره فرکلاف» (۱۳۹۷)؛ پایان‌نامه «طبقه‌بندی و تحلیل لالایی‌های یزدی بر اساس رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف» (۱۳۹۶)؛ «بازنمایی زن در ادبیات شفاهی قشقایی از منظر

تحلیل‌گفتمان انتقادی بر اساس الگوی فرکلاف» (۱۳۹۳)؛ «مطالعه تطبیقی کتاب افسانه‌های کهن ایران به روایت فضل‌الله مهتدی و مجموعه افسانه‌های برادران کریم با رویکرد چندصدایی باختین» (۱۳۹۶) و ... نمونه‌ای از پژوهش‌هایی است که به این مسائل پرداخته‌اند.

در حوزه مطالعات زن‌محور و رویکرد جنسیتی در پژوهش‌های فرهنگ‌عامه هم این عامل نقش داشت؛ یعنی توجه به حقوق زنان، آزادی زنان، برابری حقوق زن و مرد، نقش زنان در تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، رشد جنبش‌های زن‌محور فمینیستی و در کل تلاش زنان برای استیفای حقوق سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خود از عوامل مهمی بود که باعث شد به مطالعات زنان در فرهنگ‌عامه توجه بیشتری شود. این تأثیر در حوزه تقابل سنت و مدرنیته هم معنی‌دار بود و وجهی دوسویه یا متناقض داشت برای مثال: می‌توان به رشد دانشجویان دختر و به‌واسطه آن، پژوهشگران زن، استادان زن و ... اشاره کرد. آثاری همچون: زیر مقنعه: بررسی جایگاه زن ایرانی از قرن اول هجری تا عصر صفوی از حجازی (۱۳۷۶)؛ فرادستی و فرودستی در زبان ضرب‌المثل‌ها از پاک‌نهاد جبروتی (۱۳۸۱)؛ چند کلمه از مادر شوهر از حجازی (۱۳۸۵)؛ زن در مثل: امثال‌وحکم مربوط به زنان در ادبیات فارسی از حجازی (۱۳۹۵) و ... در واقع مثال‌هایی از رشد طبقه تحصیل‌کرده زن که به حقوقشان آگاه‌اند و به مراکز پژوهشی دسترسی دارند و می‌توانند صدایشان را برسانند، حوزه مطالعات موردعلاقه خود؛ یعنی زن‌محوری را وارد ادبیات و ادبیات عامه کرد.

#### ۴-۲- زمینه‌ها و دلایل خاص

در این بخش به دلایل خاص و شرایط اجتماعی و فرهنگی که موجب توجه زنان به مسائل و حقوق خود شده و همچنین به زمینه‌ها و دلایلی که باعث گسترش ظرفیت‌های ادبیات عامه برای مطالعه در حوزه زنان گردیده است، خواهیم پرداخت.

#### الف) زمینه‌های ژانری

ادبیات عامه در نظریه‌های سنتی ژانر همچون نظریه‌های ارسطو، یونان باستان، نظریه‌های رومی قرن‌های ۱۷ تا ۲۰، نظریه‌های اسلامی‌ها (نظریه‌هایی که در مطالعات سنتی و ایرانی مطرح می‌شد) و ... جایگاهی نداشت و حتی برخی پژوهشگران در کنار زندگی‌نامه، داستان کوتاه، شعر کوتاه و ... از ادبیات عامه (به‌خصوص شعر عامه) که پیش‌ازاین کمتر به آن توجه می‌شده، یاد می‌کنند (زرقانی، ۱۳۹۵: ۳۴۷ به نقل از ۳۲۲-۶: ۲۰۰۵، Basker) و حتی در تعریف

ادبیات عامه که از آن به ادبیات عامیانه تعبیر شده، نقطه مقابل ادبیات فاخر یاد می‌شود (همان: ۷۳۰).<sup>۱</sup> در مطالعات دانشگاهی ایران از زمان تأسیس دانشگاه تهران و رشته زبان و ادبیات فارسی تا چند دهه پس از آن نیز به آن پرداخته نمی‌شد. ژانرهایی که نظریه پردازان به آن توجه می‌کردند در حوزه ادبیات رسمی مطرح بود. برای مثال تراژدی، حماسه، اسطوره، ادبیات غنایی و ... این ژانرها عموماً بازتاب‌دهنده صدای مردان بودند و به عقیده پژوهشگران حوزه زنان، این‌ها به‌عنوان ژانرهای مردانه شناخته می‌شوند و حتی به عقیده آن‌ها آثاری همچون شاهنامه، بوستان، گلستان و ... بازتاب مناسبات جامعه مردسالارانه‌اند. در ادبیات دانشگاهی نیز همین جریان وارد شده است؛ اما در ادبیات عامه اوضاع متفاوت است. نه تنها متون کهن مکتوب این رشته همچون هزار و یکشب بازتاب‌دهنده صدای زنان‌اند، چنانکه در تحلیل اسطوره‌ای آزاد کردن شهرناز و ارنواز [در شاهنامه] در معنی آزادی ابرهای باران‌زا در راه خرسندی ایزدبانوی آب‌ها و زنان - آناهیتا - بیان شده و حتی نبرد اصلی اژدها را جنگ خشکسالی با ایزد بانوان آبادانی و باور دانسته‌اند (بیضایی، ۱۳۸۳: ۴۸)؛ در جای دیگر نیز یکی از خویشکامی‌های پرستاران آناهیتا مهربخشی و آرامش بخشیدن به خستگان و جنگاوران بود (همان: ۸۷)؛ یعنی همواره نگاه مثبتی به زن وجود داشته است. در کنار این‌ها حتی آثار شفاهی، قومیتی همچون آیین‌ها، مثل‌ها، بازی‌ها، باورداشت‌ها بخصوص افسانه‌ها، ترانه‌ها، لالایی‌ها، برخی اشعار کار زنانه و ... بازتاب‌دهنده صدای مغلوب یعنی صدایی که در ژانرهای اصلی بازتاب داده نشده و همان صدای زنان و کودکان است. زنان و کودکان که در شاهنامه، بوستان و گلستان، کلیله و دمنه و دیگر متون ادبی جایگاهی ندارد یا جایگاه منفی یا کمی دارند، در افسانه‌ها، لالایی‌ها، بخصوص در ترانه‌های کار همچون شالیکاری و ... و جلوه‌های مختلف ادبیات عامه مورد توجه گسترده واقع شده‌اند.

بنابراین اساساً و ذاتاً فرهنگ و ادبیات عامه ظرفیت زیادی برای مطالعات جنسیتی و زن محور دارد. زندگی زنان با تمام ابعاد آن: حق زنان، آزادی زنان، آرزوی زنان، مکر زنان، اعتراض به چندهمسری، اعتراض به ازدواج اجباری، ظلم به زنان و ... همه این‌ها در افسانه‌ها و ترانه‌ها مطرح است و همه این‌ها بر ظرفیت ادبیات عامه در پژوهش‌های زن‌مدار مهر تأیید می‌گذارند.

#### ب) نقش و تأثیر تحولات سیاسی و اجتماعی

از دوره مشروطه توجه به حقوق و مسائل زنان در شعر و ادبیات و ... بازتاب پیدا کرد. مرور بر مبارزات زنان و ابعاد

۱. شماره صفحات بر اساس نسخه فیدئو نوشته شده است.

مختلف آن‌ها مثلاً مدارسی که زنانه بودند، گروه‌های نسوان، نقش زنان در تئاتر و هنر و ...، محفل‌های ادبی و اجتماعی، دانشجویان، پژوهشگران و استادان زن در حوزه ادبیات و ادبیات عامه و ... جنبش‌های زنان در دهه‌های چهل و پنجاه بخصوص پس از انقلاب برای احقاق حقتشان توسعه پیدا کرد و بنابراین همه این‌ها زمینه‌ای شد که به مطالعات زن‌محور توجه بشود.

### ج) سنت و مدرنیته: رویکرد دوگانه زن‌محور در مطالعات عامه

از دوره مشروطه انتقادهای از ابعاد و ساحت‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی سنت در نوشته‌های روشنفکران و پژوهشگران شکل گرفت. چون سنت را مانع پیشرفت می‌دانستند، در مفهوم سیاست و فرهنگ بازنگری شد. وقتی در این دوره مسأله زنان در مرکز توجه قرار گرفت، غالباً ساختار مردسالارانه سنت را در ابعاد مختلف مورد انتقاد قرار می‌دادند و آن را مانع استیفای حقوق زنان می‌دانستند. این رویکرد به سنت و نقش سنت درباره زنان مانند بسیاری از امور دیگر مثل آزادی، قانون، حقوق بشر، عدالت و ... رویکرد دوگانه‌ای داشت: گروهی سنت را به‌طور کلی ضد این مفاهیم و بازدارنده می‌دانستند. عده‌ای نیز باور داشتند در سنت زمینه‌هایی برای تقویت این مفاهیم وجود دارد. درباره زنان نیز این نگاه وجود داشت: به‌زعم برخی از پژوهشگران، آنچه در فرهنگ عامه آمده، بازتولید سنت است. فرقی نمی‌کند در ادبیات شفاهی آمده باشد یا در متون کتبی؛ اما عده‌ای اعتقاد داشتند اینها در راستای حقوق زنان‌اند؛ بنابراین ضدیت بین سنت و مدرنیته وارد مطالعات فرهنگ عامه شد.

### ۱) رویکرد منفی زن‌محور در متون شفاهی

در این رویکرد فرهنگ عامه چه در آثار شفاهی و چه در متون کهن به‌عنوان نماینده‌ای از سنت است که مخالف حقوق زنان هستند و این پژوهش‌ها را به این خاطر انجام می‌دهند تا نشان دهند به‌ویژه در ضرب‌المثل‌ها، آیین‌ها، باورداشت‌ها و گاه در ترانه‌ها و افسانه‌ها زمینه‌هایی از فرهنگ مردسالار را جست‌وجو و برجسته کنند تا موجب تثبیت و طبیعی‌سازی کلیشه‌های جنسیتی و نابرابری حقوق زن و مرد و تضعیف زنان و سرکوب آن‌ها باشند.

در این بخش دوازده مقاله و پایان‌نامه مطالعه شده که به خاطر محدودیت حجم به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم. اگر بخواهیم به جمع‌بندی کلی نگاه‌های منفی این آثار به زنان بپردازیم، می‌توانیم به اوصافی چون خرافه‌پردازی و بی‌سوادی زنان، خدمت‌گزار بودن آن‌ها، ناتوانی و بی‌کفایتی زنان، ضعیف و پیرکننده مرد و جنس دوم اشاره کنیم. همین‌طور در داستان‌ها، زنان، شریر، دروغگو، حيله‌گر یا یاریگر آن‌ها و مکار و ... هستند. نگاه مثبت به زنان تنها

در صورتی که نقش مادری، زایایی، باوفایی، رازداری، کدبانویی، مایه‌عشرت مردند، مورد تأیید هستند. مثلاً «زن در فرهنگ عامه در عصر قاجار» (رضایی، ۱۳۸۸) فاقد حجاب و تخصص است؛ پرده‌نشین و منفعل است؛ درجه دوم است. در نظامی مردسالار زندگی می‌کند. تنها فعالیت‌های زنان به خرافه‌پردازی، بازی‌های نمایشی و ترانه محدود می‌شود. «زن در ادبیات منظوم لکی» (صادقیان، ۱۳۹۱) حامل افکار منفی برگرفته از فرهنگ عمومی جامعه است که از باورهای اساطیری و قدمایی تأثیر گرفته است. در «جمع‌آوری و بررسی اشعار عامیانه قشم» (زن، دریا و ... (اسلامی، ۱۳۹۱) نگاه به زن همراه با تحکم، زورگویی، خشم و خشونت است. همجواری با عرب‌ها به نوع نگاه زنان تأثیر گذاشته است. «زن در آینه ضرب‌المثل‌های ایرانی» (باقری، ۱۳۹۱) چهره‌ای نامطلوب دارد. به طوری که از مجموع ۴۵۰ ضرب‌المثل، ۱۲۰ مورد آن، زن‌ستیزانه، بدبینانه و دارای حال و هوای مردسالارانه است. در «جایگاه زن در فرهنگ عامیانه کردی» (با تکیه بر ضرب‌المثل‌ها و مثل‌نماها) (حیدری، ۱۳۹۲)، از واژه‌های تحقیرآمیز برای زنان، از جمله «ناوس بودن» استفاده شده که معمولاً برای بارداری حیوان‌ها به کار می‌رود. «زن در فرهنگ گیلان، با تکیه بر ضرب‌المثل‌های گیلکی» (محمدی، ۱۳۹۲) به‌رغم اینکه در معیشت، اقتصاد و خانواده تأثیرگذار است، اما همچنان جنس دوم است.

## ۲) رویکرد منفی زن محور در متون کهن

در متون کهن زنان موجوداتی حیله‌گر، پیچیده در حصار خانه و کنج حرمسراها، شیء جنسی به حساب آمده‌اند و نقش مثبت آن‌ها به خاطر نقش مادری و معشوقی و حضور آن‌ها در کهن‌الگوهای اساطیری است. برای مثال در «سیمای زن در قصه‌های عیاری» (با تکیه بر داستان‌های سمک عیار، مهر و ماه، ملک جمشید) (زمانی، ۱۳۹۴)، زنان حیله‌گرند. عده‌ای از سعی می‌کنند زنانگی خود را پنهان کنند و نیمه‌های شب به عیاری می‌پردازند. در «بازنمایی ایران در عصر قاجار در سفرنامه‌های سیاحان فرانسوی» (شهر تهران، زن، خوی و منش ایرانیان) (محمدزاده، ۱۳۹۴)، زنان توصیفاتی چون جنس مورد معامله، حصار در اندرونی، پیچیده در چادر، موجودی در کنج حرمسرا، فقط مادر و خودآرا ندارند.

این نگاه منفی به ابعاد عامیانه متون کهن و تأکید بر اثبات زن‌ستیزانه بودن آن‌ها، حاصل نوعی خودآگاهی جامعه نسبت به حقوق زنان و تلاش آن‌ها برای ایفای این حقوق است. با گسترش گرایش‌های فمینیستی، این نگاه قدرت بیشتری گرفت. نویسندگان، خودآگاه یا ناخودآگاه کوشیدند موانع تاریخی استیفای حقوق زنان را در سنت شفاهی گذشته نشان دهند. باین حال، نقطه ضعف این پژوهش‌ها در این است که آن‌ها را در بافت و شرایط تاریخی خود آن‌ها

بررسی و نقد نمی‌کنند؛ گرایش‌ها و نظریه‌های مدرن فمینیستی را که در غرب نیز نحله‌ها و جریان‌ها و فراز و فرودهای خاص خود را دارد، به‌طور انتزاعی بر فرهنگ‌عامه گذشته فرافکنی می‌کنند و از سوی دیگر، در این بررسی به جای توجه به کلیت متون، نگاهی بخشی و صرفاً روساختی به این متون دارند. نکته دیگر آنکه غالباً این پژوهش‌ها تفکیک درستی میان ادبیات رسمی و ادبیات عامه در تاریخ گذشته انجام نمی‌دهند.

### ۳) رویکرد مثبت زن‌محور در متون شفاهی

در متون شفاهی ادبیات عامه آثاری تحلیل شده‌اند که به‌صورت خودآگاه یا ناخودآگاه شواهدی در اثبات گرایش‌های زن‌محور و احیاناً فمینیستی ارائه می‌کنند، یعنی در ضرب‌المثل‌ها، افسانه‌ها، آیین‌ها، باورداشت‌ها و ... آثاری پیدا می‌شود که سلطه مردان و کلیشه‌های جنسیتی آنان را نشان می‌دهد و این مسأله در پژوهش‌ها نمود پیدا کرده است. در این تحقیقات زن در نقش مادر، موجودی مهم و تأثیرگذار و زاینده است. موجودی باهوش و دلیر و خردمند است. «زن در قصه‌های عامیانه آذربایجان» (غفوری، ۱۳۹۱) قهرمان است. در حماسه‌های کوراوغلو و ده قورقود، زنان حضور پررنگی دارند. قدرت زنان در این داستان‌ها بیشتر فکری و نرم‌افزاری است تا فیزیکی. در این قصه‌ها ردپایی از زنان مبارز و شمشیرزن دیده می‌شود. در «نمادشناختی حرکات نمایشی در فولکلور شرق گیلان» (مسعودی، ۱۳۹۴) ضمن نشان دادن نقش‌های چندگانه زنان از جمله زنانگی، مادری، زاپایی، کارایی و مشارکت اقتصادی، نقش فعال و تأثیرگذار آن‌ها را با تحلیل رقص قاسم‌آبادی برجسته می‌کند. در «مطالعه تحلیلی و تفسیری ترانه‌ها و لالایی‌های بومی» (اصغری، ۱۳۹۵) بیان ناله‌ها، آمال و آرزوهای دست‌نیافتی و رنج‌ها و مویه‌های زنان در لالایی‌ها مشهود و ارتباط طبیعت با باروری و تولیدمثل، با زن و زنانگی مطرح است. «زن در حماسه‌های قوم بلوچ» (آذرشب، عسکری خانقاه، باصری، میر اسکندری، ۱۳۹۸) موجودی باهوش، دلیر، ثروتمند، دارای جاه و مقام و در کل دارای ارزش‌ها، موقعیت‌ها و امتیازات یکسان با مردان است. «بازنمود عقلانیت زنانه در افسانه‌های ایرانی» (طاهری، فرشچی، ۱۳۹۹) ایجابی است و نقش‌های مثبت همچون یاریگری به قهرمانان می‌دهد. «الگوی تفرد قهرمان زن در افسانه‌های پریان ایرانی» (بر اساس چرخه روان‌شناسی مورد اک) (بذرافشان، صادق‌زاده، خیراندیش، ۱۳۹۹) در قالب احترام به ایزد بانو به‌منزله منبعی مثبت از قدرت، خرد و نیروی ژرف را تأیید می‌کند.

### ۴) رویکرد مثبت زن‌محور در متون کهن

سنت‌ها و ساختارهای اجتماعی قدیم، لزوماً و همه‌جا نمی‌توانند علیه مسائل و حقوق زنان باشد و همیشه نمی‌توانند

کلیشه‌های منفی جنسیتی ایجاد کنند به‌ویژه در فرهنگ‌عامه و متونی که به این حوزه اختصاص دارد، صدای زنان را می‌توان شنید.

در متون حماسی مثنوی مثلاً ابومسلم‌نامه و سمک عیار و متون کتبی دیگر فرهنگ‌عامه از جمله در هزارویکشب و سندبادنامه و ... نیز نشانه‌هایی وجود دارد که در آن زنان درباره حقوق پایمال‌شده خود صحبت می‌کنند، درباره خردمندی زنان، قدرت روحی و فکری، نقش‌های مثبت آن‌ها حرف می‌زنند. در این آثار، زنان حضوری مثبت و کش‌مند دارند و مظهر شجاعت و چاره‌اندیشی هستند.

مثلاً در «مبانی نظری فرهنگ‌عامه ایران درباره زن» (حدادی، ۱۳۸۴) تلاش شده باورهای کلیشه‌ای - که درباره مسائل منفی زنان وجود دارد - از بین برود. در «تحلیل زن‌مدارانه حکایت‌های هزارویکشب» (قدرتی، ۱۳۸۹) توالی قصه‌ها سیر هوشمندانه‌ای را درباره زنان طی می‌کنند. «مقایسه نقش زن در داستان‌های ادبیات عامه با داستان‌های ادبیات کلاسیک فارسی پیش از دوره صفویه» (با تأکید بر سمک عیار، داراب‌نامه، فیروزشاه‌نامه، ابومسلم‌نامه، سندبادنامه، طوطی‌نامه، مرزبان‌نامه و گلستان) (محمد حسنی صغیری، ۱۳۹۶) می‌کوشد در شواهدی، پاکدامنی، وفاداری و کارکردهای اجتماعی زنان از قبیل پادشاهی، عیاری، جنگاوری و ... را ارائه دهد. به‌رغم ادبیات رسمی نگرش کلی به زن منفی نیست و دیدگاهی واقع‌بینانه به زن وجود دارد.

«نقش زن در ابومسلم‌نامه» (نعیمی، ۱۳۹۷) کنشگر و در صحنه است. تقسیم زنان به جادوگر، جنگجو، عیار، حيله‌گر بیانگر واکنش و بیان اعتراض‌آمیز این جنس به وضعیت موجود در دوره ابومسلم‌نامه است. زنان در این کتاب سیری هوشمندانه دارند. حتی در مواردی ذکاوت و زور بازویشان بر مردان می‌چربد. با توجه به فضای نسبتاً مردسالارانه، زنان با پذیرا بودن نقش‌های مختلف، فضای زن‌ستیزانه حاکم بر زمان ابومسلم‌نامه را تلطیف می‌کنند تا به اجتماعی همگون و برابر دست یابند. در «بازنمایی نقش زن در داستان‌های عامه ترجمه فرح بعد از شدت» (کمالی اصل، عباسی، ۱۳۹۹) هرچند زن حضور زیادی ندارد؛ ولی هنگام ایفای نقش، مظهر شهامت است و جسورانه علیه سنت‌های مذکرانه عصیان می‌کند و تابو می‌شکند. «شخصیت زنان منظومه کارستان حاتم» (متوسل، دشتی، ۱۳۹۹) بر بنیادی‌ترین باورهای باستانی مبنی بر زن‌سالاری استوار است. این مدعا به استناد به دلالت‌های مرتبط با روزگار مادرسالاری، از جمله شهر نسوان، توتمیسم، ازدواج‌های برون‌همسری، قربانی برای ملکه مادر و ... تأیید می‌شود.

«زنان فعال و منفعل در داستان‌های مثنوی عامیانه» (باقری، ۱۳۹۲) در این مقاله نیز نقش زنان در داستان‌های عامه را بررسی و طبقه‌بندی کرده و با نگاه بی‌طرفانه آن‌ها را در دو دسته فعال و منفعل جای داده است. زنان فعال با شخصیت



مثبت و فعال با شخصیت منفی در داستان‌ها با ذکر مثال شرح شده است. در کل زنان فعال با نقش مثبت در این پژوهش، که برآیندی از داستان‌های عامه است، نقش مهم و چشمگیرتری نسبت به زنان فعال با نقش منفی و زنان منفعل دارند.

#### ۵- رویکردهای نظری و تحلیلی مطالعات زن‌محور در پایان‌نامه‌ها

مجموعاً شصت و پنج پایان‌نامه درباره زن در پژوهش‌های فرهنگ‌عامه شناسایی شده است. دو رساله دکتری و بقیه پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد هستند. قدیمی‌ترین پایان‌نامه در این حوزه مربوط به سال ۱۳۷۸ است و از مجموع شصت و پنج پایان‌نامه، ۳ مورد در دهه هفتاد، ۲۵ مورد در دهه هشتاد و ۳۵ مورد مربوط به دهه نود است.

از مجموع شصت و پنج پایان‌نامه، ۲۵ مورد فقط «عنوانشان» در کتاب‌شناسی‌ها و پژوهش‌های مربوط به زنان بوده و نگارنده به فهرست و نهایتاً چکیده کوتاهی از آن‌ها دسترسی داشت؛ ولی ۴۰ مورد دیگر در سایت «ایران‌داک» ثبت شده بود که برای دقیق‌تر شدن تحقیق به این ۴۰ چهل پایان‌نامه خواهیم پرداخت.

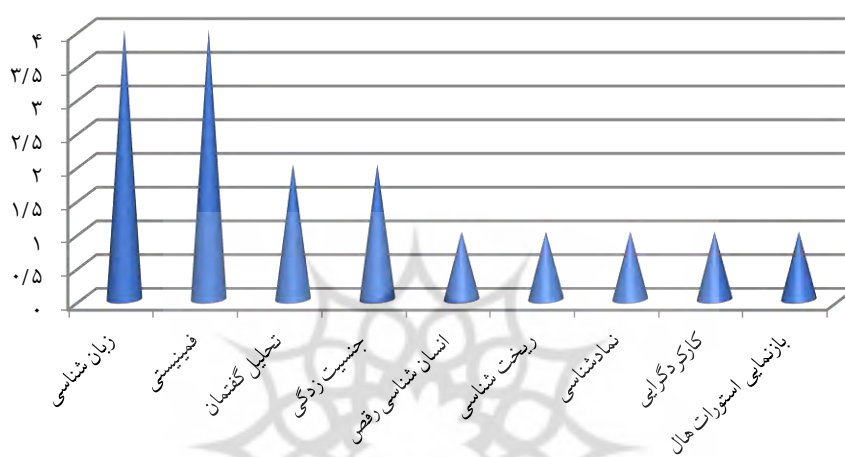
#### انواع پایان‌نامه‌های زن‌محور در پژوهش‌های ادبیات عامه



از مجموع چهل پایان‌نامه، ۵ مورد رویکرد تطبیقی، ۲۳ مورد توصیفی و ۱۲ مورد رویکردگرا، ۴ مورد زبان‌شناسی، ۴ مورد فمینیستی، ۲ مورد تحلیل گفتمان فرکلاف، ۲ مورد جنسیت‌زدگی زبان، ۱ مورد انسان‌شناسی رقص، ۱ مورد ریخت‌شناسی، ۱ مورد نمادشناسی، ۱ مورد کارکردگرایی، ۱ مورد بازنمایی (استوارت هال) دارند. البته گاهی این

پژوهش‌ها با هم همپوشانی نیز دارد. پس از بررسی توصیفی در این مقاله به خاطر محدودیت حجم تحقیق، فقط ۴ پایان‌نامه با رویکرد فمینیستی - که به نظر می‌رسد نسبت به نظریه‌های دیگر موفق‌تر عمل کرده‌اند - از جهت پیوست نظریه با متن موردبررسی و نقد قرار می‌دهیم.

### تقسیم‌بندی رویکردهای پایان‌نامه‌های زن‌محور در پژوهش‌های ادبیات عامه



#### ۱-۵ - نظریه‌های فمینیستی

از چهار پایان‌نامه با رویکرد فمینیستی، یک مورد در دهه هشتاد (سال ۸۹) و سه مورد دیگر در دهه نود به ترتیب در سال‌های ۹۲، ۹۴، ۹۷ در مقطع کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه‌ها مختلف دفاع شده است. اولین پایان‌نامه با عنوان «تحلیل زن‌مدارانه حکایت‌های هزار و یکشب» از (قدرتی، ۱۳۸۹) است. این پژوهش با رویکردی کاملاً مثبت به مسأله زن در هزارویکشب پرداخته است. به‌زعم نویسنده «هزارویکشب متنی مغشوش است و امکان برداشت چندوجهی از آن وجود دارد و امکان تحکیم و تضعیف ایدئولوژی‌های مردسالارانه در آن نمایان است». از نقاط قوت این اثر، محدود بودن موضوع آن است که صرفاً ۱۴۱ حکایت از جلد اول را به‌عنوان جامعه آماری خود به‌صورت عمیق بررسی کرده است. از نقاط مثبت دیگر آن، تبیین مفصل و دقیق نظریه فمینیسم است که آن را از نظر سیر زمانی، مبانی، آبخورها، دیدگاه‌ها، موج‌ها و ... به‌خوبی بررسی کرده و به‌طور مشخص از نقد شوالتر یا همان نقد جلوه‌های زنان با قرآنی زنانه، به تحلیل شخصیت‌های زن پرداخته است. همچنین با آگاهی از کارکردهای متفاوت زنان در هزارویکشب، از منظر طبقه اجتماعی (Class) به طبقه‌بندی زنان مختلف در تبیین

زنان هزارویکشب، از جمله زنان درباری، کنیزان، عجززان و ... توجه شده است. از ارزش‌های این اثر نگاه چندجانبه در تحلیل است. نویسنده علاوه بر استفاده از نظریه فمینیسم و رویکرد نظری شوالتر، از گرایش فمینیسم سوسیالیستی و مارکسیستی برای نقد جایگاه زنان استفاده کرده است. همین‌طور از رویکرد کهن‌الگویی یونگ در پاره‌ای از تحلیل‌های روان‌شناسی خود در بررسی طبقات مختلف زنان بهره برده است. در فصل تحلیل نیز مشخصاً به فمینیست فرانسوی (شوالتر) کاملاً پای‌بند بوده، و زن‌ستیزی برون‌متنی در حکایت‌ها را با تحلیل زبانی (دایره واژگانی زن‌ستیزی، اعم از برداشت‌های تحریف‌آمیز از آیات و روایات و احادیث و کلام شخصیت‌ها) نسبت به رویکرد درون‌متنی بررسی نموده و با توجه به حجم بالای حکایت‌ها و قصه‌ها، تعداد اقوال زن‌ستیز را اندک و آن را محدود به طبقه کنیزان دانسته است. وی زن‌ستیزی را در القاب زشت و توهین‌آمیز به زنان و نفرین بر زنان خائن و حذر از مکر آن‌ها محدود کرده است.

نویسنده از منابع مختلف و کاملی برای تبیین و به‌کارگیری نظریه فمینیسم استفاده کرده و مبنای اصلی کار خود را مقاله مریم حسینی (۱۳۸۸) گذاشته است. از منابع داخلی و خارجی زیادی استفاده کرده و از بین پایان‌نامه‌های بررسی شده با این رویکرد، کامل‌ترین منابع را دارد. او با استفاده از منابع اصلی، تحلیل متن با نظریه‌های چندوجهی و ارائه جدول و آمار و ... به تحلیل‌های جدیدی در زمینه زنان در هزارویکشب رسیده و نظریه را به خوبی در تحلیل به کار گرفته است؛ اما چند مسأله در این پایان‌نامه وجود دارد که از نقاط ضعف آن به حساب می‌آید. برای مثال نویسنده وقتی طبقات زنان را بررسی می‌کند، به تحلیل نام‌های آن‌ها نیز پرداخته است که حجم کار را زیاد و عمق آن را کم کرده است. چون پایان هر فصل نتیجه‌گیری شده، از نتیجه‌گیری کلی بازمانده است و برخی قسمت‌ها مانند جزیره‌های جدا از هم مطرح شده است. بهتر بود حجم مطالب را مختصرتر مطرح می‌کرد و در تحلیل مطالب، اسامی زنان را به پژوهشی دیگر می‌سپرد. مسأله دیگر که از نظر محتوایی بسیار مهم است رویکرد نسبتاً افراطی و جانبدارانه نویسنده به‌عنوان یک پژوهشگر زن است. در این پژوهش زنان یا فعال‌اند یا زنانی هستند که برای دست‌یابی به حقوق از دست‌رفته خود به مکر روی آورده‌اند. به نظر می‌رسد اندکی توجیه فمینیستی داشته باشد، درحالی‌که پژوهشگر باید بی‌طرفانه و بدون سوگیری به مسأله نگاه کند.

پایان‌نامه بعدی «زن در فرهنگ گیلان، با تکیه بر ضرب‌المثل‌های گیلکی» (محمدی، ۱۳۹۲) است. این اثر جنبه توصیفی دارد و از نظر تحلیلی روشمند نیست؛ اما در نظریات خود از فمینیسم یاد کرده است. بیشتر در ضرب‌المثل‌ها در پی یافتن کلیشه‌های جنسیتی است. نظریه فمینیسم را تنها در یک صفحه توضیح داده است. هر

پاراگراف را از یک منبع بدون اینکه ارتباط نظام‌مند داشته باشند، بیان کرده است. به موج‌ها، زیرشاخه‌ها، نظریه‌پردازان آن هیچ توجهی نکرده است و فقط به تعریف و چند جمله کلی درباره فمینیسم بسنده کرده است. در تحلیل پژوهشگر با اینکه از نظرات دوبووار (۱۳۸۰) به تداوم استفاده می‌کند؛ اما تحلیل جدیدی ارائه نمی‌دهد. در تحلیل خود ارجاعات زنجیره‌ای می‌دهد. مثلاً (گلعلی پور، ۱۳۸۴؛ مرادیان گروسی، ۱۳۸۶؛ مرعشی، پاینده لنگرودی، پیروزی و میرزانیاد موحد، ۱۳۸۹) همواره تکرار می‌شوند. البته برخی از ارجاعات، منابع ضرب‌المثل‌ها هستند؛ اما پژوهشگر بسیاری از تحلیل‌ها را نیز از منابع مختلف استخراج کرده است.

در مورد خیلی از ضرب‌المثل‌ها باید گفت که صرفاً به‌عنوان شاهد مثال آمده‌اند و هیچ تحلیلی درباره آن‌ها ارائه نشده است. نویسنده با اینکه همواره به برش‌هایی از نظریه دوبووار استناد کرده؛ اما تحلیل دقیقی از مطالب ارائه نداده و تنها به نقش زنان در طبقه‌ها و نقش‌های مختلف آن‌ها اشاره کوتاهی نموده است. گاه بدون تحلیل، با ارجاعات مکرر بعضی بحث‌ها را رها کرده، با اینکه به مسائل اقتصادی، معیشتی یا زیبایی و اندام زنان توجه داشته است. نویسنده در این اثر، به‌طور مشخص به نظریه‌های فمینیسم مارکسیستی، نظریه‌های مربوط به بدن و... که به‌خوبی می‌توانست با کمک آن‌ها به تحلیل ضرب‌المثل‌ها بپردازد، توجهی نکرده است.

در نتیجه‌گیری هم هیچ ایده جدیدی ندارد و تنها از چند اصطلاح، مثل «پله‌پچ» (پلوپز) که برای تحقیر زنان به کار می‌رود، استفاده شده است. به جای ضرب‌المثل‌های بومی، برشی از بومی سروده‌ها یا کنایات گیلکی را هم شاهد مثال می‌آورد، به نظر می‌رسد که تحلیل‌ها و نتایج تغییر نمی‌کرد. به تعبیر دیگر، ضرب‌المثل‌های گیلکی و نظریه‌های به کار رفته در این تحقیق کمکی به نوآوری این پژوهش نکرده است و صرفاً یک سری کلیشه‌های فکری، فرهنگی، طبقاتی همراه با توصیف در این پژوهش به کار رفته است. علاوه بر این، از نظر منابع نیز به بسیاری از آثار اصلی رویکرد فمینیسم در این پژوهش اشاره نشده است. اغلب منابع، حالت تصنعی دارند و کل تحقیق بر اساس پنج، شش منبع تکرار و تقلید می‌شود.

پایان‌نامه بعدی با عنوان «سیمای زن در قصه‌های عیاری فارسی با تکیه بر داستان‌های سمک عیار، مهر و ماه، ملک جمشید» (زمانی، ۱۳۹۴) است. نویسنده در این اثر ادعا می‌کند که از رویکرد جوزفین دانون نظریه‌پرداز فمینیست استفاده کرده است. به‌زعم نویسنده جایگاه زن تابع زمان است و از طبقات و دسته‌های اجتماعی چون عیاران کمتر تأثیر پذیرفته است که البته نتیجه‌اش مغایر با پایان‌نامه‌ای است که در قصه شهرزاد (به‌عنوان ادبیات عامه مکتوب) زنان را در طبقات مختلف بررسی می‌کرد و قائل به جایگاه بود.

در این پایان‌نامه نظریه به‌خوبی تبیین نشده و به تعریف و ساده‌سازی آن اکتفا شده است. مطالب در محور عمودی با هم ارتباط وثیقی ندارند. از منابع اصلی برای تبیین مطلب کمتر استفاده شده، و منابع استفاده شده نیز غالباً تکراری است و حدود ۶۰ درصد آن به مطالب غیرمرتبط با موضوع اصلی، مثل زن در اسلام، زن در باستان، زن در قرآن و ... اختصاص دارد.

در قسمت تحلیلی نیز بیشتر به توصیف زنان در داستان‌ها پرداخته است تا تحلیل آن‌ها. با اینکه در کلیات درباره شخصیت و شخصیت‌پردازی نوشته شده است، انتظار می‌رفت درباره شخصیت زنان و نقش‌های مختلف آن‌ها به‌طور مشخص تحلیلی صورت می‌گرفت. اشاره بسیار کوتاهی به زنان فعال و منفعل کرده است، اما نقش هر یک را به‌خوبی تحلیل نکرده است.

نظریه در این پایان‌نامه بسیار ادعاگونه بیان شده و در تحلیل جایگاه زیادی ندارد؛ یعنی اگر ادعا نمی‌شد با نظریه‌ای متن را تحلیل کرده، فرق چندانی در نتیجه‌گیری نداشت. اساس پایان‌نامه بر توصیف شخصیت‌هاست. به توصیف ویژگی‌های زنان پرداخته، و در برخی داستان‌ها شخصیت‌های ایستا و پویا را با هم مقایسه، و از مسائل تکراری و کلیشه‌ای در بیان خود استفاده می‌کند. در مجموع باید گفت که در این اثر هیچ پیوند معناداری بین نظریه با متن‌های موردپژوهش وجود ندارد و نتیجه‌گیری هم منطبق با نظریه نیست.

آخرین پایان‌نامه شناسایی شده در این حوزه با عنوان «بررسی نقش و جایگاه زنان در افسانه‌های عامه کرمان (بر اساس رویکرد فمینیستی)» (سلطانی، ۱۳۹۷) است. این اثر در تبیین نظریه موفق نبوده است. از موج‌ها و گرایش‌های فمینیستی یاد نکرده و ریشه‌های این نظریه و موج‌های آن را به‌طور کامل تبیین ننموده است. در تبیین نظریه پیوسته از یک منبع (تانگ، ۱۳۹۴) استفاده کرده است. نویسنده سعی کرده از تفکرات مختلف فمینیستی در داستان‌ها مثال بیاورد؛ ولی چون هیچ توضیحی درباره داستان‌ها و افسانه‌های کرمان ارائه نداده، بنابراین خواننده به‌راحتی نمی‌تواند با او همراه شود و تشخیص ارتباط نظریه با داستان‌ها برای خواننده سخت است. علاوه‌براین، آمار دقیقی از افسانه‌ها ارائه نمی‌دهد. فقط نوشته است در تعدادی از افسانه‌ها این‌طور و ... برای مثال: (نک. ۵۰).

بعضی از ویژگی‌ها همچون زیبایی، وفاداری، جنگ و ... ارتباطی به نظریه ندارند و بدون استفاده از نظریه هم می‌توان آن‌ها را تحلیل کرد. نویسنده سعی کرده افسانه‌ها را با توجه به نظریه‌ها و گرایش‌های مختلف آن تحلیل کند، اما در مواردی این ارتباط شکل تصنعی و مکانیکی به خود گرفته و قابل توجیه نیست. در بخش تحلیل کار از صرفی (۱۳۸۷) و شول و نورمندی (۱۳۹۴) بسیار استفاده کرده و کمتر نوآوری داشته است. هرچند در بخش کتابنامه از

منابع زیادی نام برده، ولی در تحلیل تنها از چند منبع تکراری استفاده کرده است.

#### ۶- نتیجه‌گیری

زنان در ادبیات عامه برخلاف ادبیات رسمی نقش محوری دارند؛ از همین روی، تحقیقات متنوعی با رویکردهای مختلف درباره آن‌ها انجام شده است. پژوهش‌های زن‌محور در فرهنگ و ادبیات عامه بازتاب‌دهنده دنیای زنان در قالب رویکردها و نقدهای جدید است. این پژوهش‌ها زمینه‌ها و ابعاد متنوعی را برای ادبیات عامه ایران ایجاد کرده‌اند. در کل بیش از صد اثر در حوزه‌های مختلف زنان در طول قرن اخیر شناسایی شده که بدون تردید نتیجه فراگیری رو به رشد اندیشه‌های زن‌محور در جامعه ایرانی و در ادبیات عامه است. تا قبل از دهه هفتاد تنها پنج اثر پژوهشی درباره زنان در ادبیات عامه نوشته شده و فقط دو کتاب درباره باورهای زنان، دو کتاب درباره امثال زنان و یک کتاب به آیین‌های آنان اختصاص یافته است. از دهه هفتاد آثار این حوزه چند برابر می‌شوند. تعدادی مقاله و پایان‌نامه در این دهه به پژوهش‌ها اضافه می‌شود. در دهه هشتاد آثار صورت گرفته بیشتر دانشگاهی و اکثر مقالات مستخرج از پایان‌نامه‌های دانشجویان است. در دهه نود پژوهش‌های زن‌محور در گرایش ادبیات عامه به اوج می‌رسند و رویکردهای مختلف نظری همچون رویکرد فمینیستی، جامعه‌شناسی، زبان‌شناسی و... به این پژوهش‌ها پیوند می‌خورد.

در دو دهه اخیر همزمان با دانشگاهی شدن ادبیات عامه و پیدایش نهادها، تحولات اجتماعی و رواج ایدئولوژی‌های سیاسی، نشریات متعدد، توسعه کرسی‌های دانشگاهی، وسعت و عمق پیدا کردن جریان ترجمه، بالا رفتن سطح آگاهی زنان و گسترش آگاهی حول مسائل زنان و... باعث شد تحلیل انواع مختلف فرهنگ عامه مثل زنان در ترانه‌ها، ضرب‌المثل‌ها، باورها و... با نظریه‌های فمینیستی یا مسائل زن‌محور در چشم‌اندازهای مختلف بر مسئله زنان تأکید کنند.

در این پژوهش‌ها به خاطر تقابل سنت و مدرنیته دو نگاه متفاوت و حتی متناقض وجود دارد: به‌زعم برخی، آنچه فرهنگ عامه مشاهده می‌شود، بازتولید سنت است. گروهی سنت را به‌طور کلی ضد این مفاهیم و بازدارنده می‌دانستند. عده‌ای نیز باور داشتند در سنت زمینه‌هایی برای تقویت این مفاهیم وجود دارد. در رویکرد منفی به سنت، فرهنگ عامه چه در آثار شفاهی و چه در متون کهن، به خاطر نمایندگی از سنت، مخالف حقوق زنان است و در پژوهش‌های آن‌ها، به‌ویژه در ضرب‌المثل‌ها، آیین‌ها، باورداشت‌ها و گاه در ترانه‌ها و افسانه‌ها، هدف جستجو و برجسته کردن زمینه‌های فرهنگ مردسالار است تا موجب تثبیت و طبیعی‌سازی کلیشه‌های جنسیتی و نابرابری حقوق زن و مرد و تضعیف زنان و سرکوب آن‌ها باشند.

در رویکرد مثبت به سنت نیز به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه شواهدی در اثبات گرایش‌های زن‌محور و احیاناً فمینیستی ارائه می‌شود. به تعبیری دیگر، در ضرب‌المثل‌ها، افسانه‌ها، آیین‌ها، باورداشته‌ها و ... آثاری وجود دارند که سلطهٔ مردان و کلیشه‌های جنسیتی آنان را نشان می‌دهد؛ اما در این تحقیقات زن در نقش مادر، موجودی مهم و تأثیرگذار، زاینده، باهوش، دلیر و خردمند است.

از پژوهش‌های مختلفی که در فرهنگ و ادبیات عامه در قالب کتاب‌ها، مقاله‌ها، طرح‌ها، پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها و ... انجام گرفته، شصت و پنج پایان‌نامه و رساله مرتبط با موضوع و نقش زنان با رویکردها و نظریه‌های مختلف شناسایی شده است. پژوهشگران به وسیلهٔ نظریه‌ها سعی کردند ابعاد تازه‌ای از مسائل زنان را در ادبیات عامه روشن کنند؛ اما روند اداری و بروکراتیک به پژوهش‌هایی خنثی و فاقد مسأله با عناوین متنوع منجر شد. در مجموع پایان‌نامه‌های فمینیستی نسبت به دیگر نظریه‌ها موفق‌تر عمل کرده‌اند. هرچند، در این پژوهش‌ها نیز به دلیل پراکندگی مطالب، رویکردهای افراطی و جانبدارانهٔ نویسندگان، استفاده غیرفعال از منابع، بیان کلیشه‌ای، ارجاعات مکرر، نداشتن ارتباط افقی و عمودی مطالب، عدم ارتباط نظریه با تحلیل، و نتیجه‌گیری‌های تکراری، غالباً به اطلاعات جدید و ارزشمندی بدل نشده است.

## کتابنامه

- ایبک‌آبادی، فاطمه، بیگ‌زاده، خلیل، رحیمی زنگنه، ابراهیم، کلاهیجان، فاطمه. (۱۳۹۷). «تحلیل انتقادی گفتمان واژگان ترانه‌های نوازشی بر پایه انگاره فرکلاف». فرهنگ و ادبیات عامه. سال ۶. شماره ۲۴. صص ۹۳-۱۱۶.
- اسحاقیان، جواد. (۱۳۸۷). «حلقه باختین، فرهنگ مردمی و ادبیات چند صدایی». فصلنامه نگاه نو. شماره پیاپی ۵۴. صص ۵۲-۵۶.
- اسلامی، لیلی. (۱۳۹۱). جمع‌آوری و بررسی اشعار عامیانه قشم. استاد راهنما: اسدالله نوروزی. مشاور: حشمت‌الله آذرمان. قشم: واحد بین‌المللی.
- اصغری، خدیجه. (۱۳۹۵). مطالعه تحلیلی و تفسیری ترانه‌ها و لالایی‌های یومی زنان مازندران. استاد راهنما: محمد عارف. مشاور: کاووس بالازاده. تهران: آزاد تهران مرکزی.
- آذرب، فریبا؛ عسکری خانقاه؛ اصغر، باصری، علی، میراسکندری، فریبا. (۱۳۹۸). «تصویر زن در حماسه‌های قوم بلوچ». فرهنگ و ادبیات عامه. سال ۷. شماره ۲۹. صص ۱۵۲-۱۱۲.
- آوری، پیتیر. (۱۳۸۸). «تاریخ ایران دوره پهلوی» (از رضاشاه تا انقلاب اسلامی) از مجموعه تاریخ کمبریج. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. دفتر ۲. جلد ۷. تهران: جامی.
- باقری، بهادر؛ باقری، فاطمه. (۱۳۹۱). «زن در آینه ضرب‌المثل‌های ایرانی». مجله انسان‌شناسی. نامه انسان‌شناسی. دوره ۱۰. شماره ۱۶. صص ۲۹-۵۲.
- باقری، نرگس؛ میرزاییان، پروین. (۱۳۹۴). «نگاهی به کاربرد نقد زن‌محور در پژوهش‌های ادبی». پژوهش‌های ادبی. سال ۱۲. شماره ۴۸. صص ۳۴-۹.
- بیضایی، بهرام. (۱۳۸۳). ریشه‌یابی درخت کهن. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- باقری، بهادر. (۱۳۹۲). «زنان فعال و منفعل در داستان‌های منثور عامیانه». دو فصلنامه فرهنگ و ادبیات عامه. دوره ۱. ش ۱. بهار و تابستان ۱۳۹۲. صص ۱۱۹-۱۴۲.
- پاک‌نهاد جبروتی، مریم. (۱۳۸۱). فرادستی و فرودستی در زبان. تهران: گام نو.
- پورتنقی، رؤیا. (۱۳۹۴). بررسی فرهنگ لالایی‌ها، شعرهای محلی و ضرب‌المثل‌ها در گویش قوم لر با تأکید بر نشانه‌های تشکیل جنسیت (مورد مطالعه: دو محله از شهرستان بروجرد، استان لرستان). استاد راهنما: اصغر عسکری خانقاه. مشاور: فریبا میر اسکندری. تهران: دانشگاه آزاد مرکزی.
- تانگ، رزمی. (۱۳۹۴). درآمدی جامع بر نظریه‌های فمینیستی. ترجمه منیژه نجم عراقی. چاپ چهارم. تهران: نشر نی.
- حجازی، بنفشه. (۱۳۷۶). به زیر مقنعه؛ بررسی جایگاه زن ایرانی از قرن اول هجری تا عصر صفوی. تهران: علم.



- حجازی، بنفشه. (۱۳۸۵). چند کلمه از مادر شوهر: امثال و حکم مربوط به زنان در زبان فارسی. تهران: همراه.
- حجازی، بنفشه. (۱۳۹۵). زن در مثل: امثال و حکم مربوط به زنان در زبان فارسی. تهران: فروزان روز.
- حدادی، سمیه. (۱۳۸۴). مبانی نظری فرهنگ‌عامه ایران درباره زن. استاد راهنما: مجتبی زروانی. مشاور: قربان علمی. آذربایجان: دانشگاه تربیت معلم.
- حسینی، مریم. (۱۳۸۸). «نقد ادبی فمینیستی»: عیار نقد: مجموعه مقالاتی در حوزه مبانی نظری نقد به قلم گروهی از نویسندگان به کوشش علی اوجی. تهران: خانه کتاب. چاپ اول. صص ۱۱۸-۸۷.
- حسینی، مریم. (۱۳۸۸). ریشه‌های زن‌ستیزی در ادبیات کلاسیک فارسی. تهران: نشر چشمه.
- حیدری، سعدیه. (۱۳۹۲). بررسی جایگاه زن در فرهنگ عامیانه کردی (با تکیه بر ضرب‌المثل‌ها و مثل‌نماها). استاد راهنما: پروانه دانش. مشاور: سید احمد پارسا. تهران: دانشگاه پیام نور غرب.
- خوارزمی، حمیدرضا؛ سلطانی، نازنین. (۱۳۹۹). «بررسی نقش و جایگاه زنان در افسانه‌های عامیانه کرمان (بر اساس رویکرد فمینیسم اگریستانسیالیسم و کمونیسم)». پژوهش‌نامه زنان. دوره ۱۱. شماره ۳۲. صص ۹۹-۷۷.
- خیراندیش، سید مهدی؛ بذرافشان، معصومه؛ صادق‌زاده، مرضیه. (۱۳۹۹). «الگوی نفرد قهرمان زن در افسانه‌های پریان ایرانی (بر اساس چرخه روان‌شناسی مورداک)». فرهنگ و ادبیات عامه. سال ۸. شماره ۳۴. صص ۳۰-۱.
- دالوند، حمیدرضا. (۱۳۹۸). تاریخ مردم‌شناسی و فرهنگ مردم ایران در روزگار پهلوی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- درکتانیا، غلامرضا. (۱۳۸۳). «نهضت فرهنگی زنان ایران و تأسیس مدارس دختران». مجموعه مقالات همایش بزرگداشت مشروطیت. تبریز: ستوده.
- دهقان طرزجانی، محمد اسماعیل. (۱۳۹۶). طبقه‌بندی و تحلیل لایه‌های یزدی بر اساس تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف. استاد راهنما: حسن ذوالفقاری. مشاور: نجمه دری. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- رحیمی، زهرا. (۱۳۹۶). مطالعه تطبیقی کتاب افسانه‌های کهن ایران به روایت فضل‌الله مهتدی و مجموعه افسانه‌های بردارن گریم با رویکرد چندصدایی باختین. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. استاد راهنما: عبدالحسین جودکی. استاد مشاور: لاله آتشی. دانشگاه لرستان.
- رضایی، مژگان. (۱۳۸۸). زن در فرهنگ‌عامه عصر قاجار. استاد راهنما: ابوالحسن شهسواری. مشاور: محمد نبی سلیم. شاهرود: دانشگاه آزاد شاهرود.

زرقانی، سید مهدی؛ قربان صباغ، محمودرضا. (۱۳۹۵). نظریه ژانر (نوع ادبی): رویکرد تحلیلی - تاریخی. تهران: هرمس.

زمانی، سمانه. (۱۳۹۴). سیمای زن در قصه‌های عیاری فارسی با تکیه بر داستان‌های سمک عیار، مهر و ماه، ملک جمشید،

- استاد راهنما: ناصر رحیمی. مشاور: حمیدرضا حسن‌زاده توکلی. سمنان: دانشگاه سمنان.
- سلطانی، نازنین. (۱۳۹۷). بررسی نقش و جایگاه زنان در افسانه‌های عامه کرمان (بر اساس رویکرد فمینیستی). استاد راهنما: حمیدرضا خوارزمی. مشاور: محمدرضا صرفی. کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- شول‌افشارزاده، مجتبی؛ نورمندی‌پور، نجمه. (۱۳۹۴). افسانه‌های مردم سیرجان. چاپ اول. کرمان: فرهنگ‌عامه.
- صادقیان، محمد یونس. (۱۳۹۱). زن در ادبیات منظوم لکی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. استاد راهنما: محمدرضا حسینی جلیلیان. مشاور: علی حیدری. لرستان: دانشگاه لرستان.
- صرفی، محمدرضا. (۱۳۸۷). افسانه‌های مردم کرمان. چاپ اول. کرمان: مرکز کرمان‌شناسی.
- طاهری، قدرت‌الله؛ فرشچی، فاطمه. (۱۳۹۹). «بازنمود عقلانیت زنانه در افسانه‌های ایرانی». سال ۸. شماره ۳۳. صص ۲۶-۱.
- طغرانگار، حسن. (۱۳۸۳). حقوق سیاسی - اجتماعی زنان قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران. تهران: مرکز انتشارات اسناد انقلاب اسلامی.
- عراقی، منیژه؛ صالح‌پور، مرسله؛ موسوی، نسترن. (۱۳۹۷). زن و ادبیات. ج ۳. تهران: چشمه.
- غفوری، عاطفه. (۱۳۹۱). زن در قصه‌های عامیانه آذربایجان. استاد راهنما: محمدعلی رنجبر. مشاوران: مصطفی ندیم، فرخ حاجیانی. شیراز: دانشگاه شیراز.
- قائمی، فرید؛ اسمعیلی، فاطمه. (۱۳۸۹). «رمان ماجراهای حاجی‌بابا اصفهانی و شرق‌شناسی پسااستعماری». مجله مطالعات ادبیات تطبیقی. دوره ۴. شماره ۱۳. صص ۱۱۷-۱۳۶.
- قدرتی، حمیده. (۱۳۸۹). تحلیل زن‌مدارانه حکایت‌های هزارویک‌شب. استاد راهنما: مریم حسینی. مشاور: سهیلا صلاحی مقدم. تهران: دانشگاه الزهرا.
- کمالی اصل، شیوا؛ عباسی، حبیب‌الله. (۱۳۹۹). «بازنمایی نقش زن در داستان‌های عامه ترجمه فرج بعد از شدت». فرهنگ و ادبیات عامه. سال ۸. شماره ۳۲. صص ۱-۲۴.
- متوسل، مؤگان؛ دشتی، سید محمد. (۱۳۹۹). شخصیت زنان در منظومه «کارستان حاتم». فرهنگ و ادبیات عامه. سال ۸. شماره ۳۶. صص ۱۸۹-۱۵۹.
- محجوب، محمدجعفر. (۱۳۸۲). ادبیات عامیانه ایران. به کوشش حسن ذوالفقاری. تهران: چشمه.
- محمدحسینی صغیری، زهرا. (۱۳۹۶). مقایسه نقش زن در داستان‌های ادبیات عامه با داستان‌های ادبیات کلاسیک فارسی پیش از دوره صفویه (با تأکید بر سمک عیار، داراب‌نامه، فیروزشاه‌نامه و ابومسلم‌نامه، سندبادنامه، طوطی‌نامه، مرزبان‌نامه و گلستان). رساله دوره دکتری. استاد راهنما: منوچهر تشکری. مشاور: قدرت قاسمی‌پور. اهواز: دانشگاه شهید چمران اهواز.

محمدرزاده، اسدالله. (۱۳۹۴). بازنمایی ایران عصر قاجار در سفرنامه‌های سیاحان فرانسوی (شهر تهران، زن ایرانی، خوی و منش ایرانیان). استاد راهنما: عباس پناهی. مشاور: روح‌الله حسینی. گیلان: پژوهشکده گیلان شناسی.

محمدی، فاطمه. (۱۳۹۲). زن در فرهنگ گیلان، با تکیه بر ضرب‌المثل‌های گیلکی. استاد راهنما: عباس خانقی. مشاور: سید هاشم موسوی. رشت: پژوهشکده گیلان شناسی.

مسعودی، مؤگان. (۱۳۹۴). تحلیل نمادشناختی حرکات نمایشی در فولکلور شرق گیلان. استاد راهنما: سید مجتبی میرمیران. مشاور: اصغر ایزدی جیران. گیلان: پژوهشکده گیلان شناسی.

مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۲). از جنبش تا نظریه اجتماعی (تاریخ دو قرن فمینیسم). تهران: نشر شیرازه.

مقدمی، مریم؛ غلامحسین زاده، غلامحسین؛ دری، نجمه؛ ذوالفقاری، حسن. (۱۳۹۷). «نقد و بررسی پژوهش‌های ادبی زن محور». فصلنامه پژوهش‌های ادبی. سال ۱۵. شماره ۶۱. صص ۱۵۲-۱۳۳.

موحد، مجید؛ عسکری چاوردی، محمدجواد؛ یادعلی، زهرا. (۱۳۹۱) «تحلیل جامعه‌شناختی از ضرب‌المثل‌های زنانه در شهرستان لامرد استان فارس». مجله زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان). تابستان ۱۳۹۱. دوره ۴. شماره ۲ (پیاپی ۱۲). صص ۱۰۵-۱۲۴.

میرزایی اصل، ارسلان. (۱۳۹۳). بازنمایی زن در ادبیات قشقایی از منظر تحلیل گفتمان انتقادی بر اساس الگوی فرکلاف. استاد راهنما: محمدهادی فلاحی. مشاور: نسترن توکلی. مرودشت: دانشگاه آزاد مرودشت.

میرزائیان، پیوش. (۱۳۹۲). رویکردهای انتقادی به کاربرد نقد زن محور در پژوهش‌های ادبی. استاد راهنما: نگرس باقری. استاد مشاور: جلیل شاکری. رفسنجان: دانشگاه ولی عصر.

نعیمی عزیزآباد، گلناز. (۱۳۹۷). نقش و ویژگی‌های شخصیتی زن در ابومسلم‌نامه. استاد راهنما: علی جهانشاهی افشار. مشاور: نجمه حسینی سروری. کرمان: شهید باهنر.

نیکویی، روشنگر؛ رام‌پناهی، ناهیداعظم؛ آقاجانی، شهناز؛ طالقانی زاده، جمیله؛ جعفری، نسرین؛ محبی، سیده‌فاطمه؛ طالقانی زاده، کبری. (۱۳۸۳). «مجموعه تحقیقات علوم انسانی در حوزه مسائل زنان». تهران: شورای فرهنگی اجتماعی زنان. روابط عمومی.

#### پایگاه‌های علمی

<http://irandoc.ac.ir>  
<http://library.ut.ac.ir>  
[www.ensani.ir](http://www.ensani.ir)  
[www.magiran.com](http://www.magiran.com)  
[www.nlai.ir](http://www.nlai.ir)  
[www.noormags.ir](http://www.noormags.ir)  
[www.sid.ir](http://www.sid.ir)